

## بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود

به سلسله ی تلاشها، پلانها و توطئه های داخلی و خارجی مبنی بر آغاز مذاکره با گروه تروریستی طالبان و ادغام مجدد آنها به حاکمیت سیاسی افغانستان، قرار است به زودی تنی چند از نماینده های دولت حامد کرزی، جهادی های سابق و نماینده ی گروه طالبان در پاریس گرد هم آیند و تحت نظارت و حاکمیت شبکه های استخبارات کشور های غربی به مذاکره بپردازند.

توسل به مذاکره و جست و جوی راه های حل سیاسی جنگ و مناقشه و تأمین صلح و سلم در جهان، ضروری و پذیرفتنی است ، اما، آنچه در این راستا گفتنی و شنیدنی است اینست که مذاکره چرا؟ با کی؟ در کجا و باچه شیوه و کدام مقصود؟

آنچه از لا به لای آنها رتق و فتق غربی ها و دولتی ها استنباط میشود اینست که هر قدر سال 2014 نزدیکتر میگردد، تلاش های منابع غربی مبنی بر مذاکرات به اصطلاح صلح ، شتابنده تر میشود و زوایای چند گانه بخود اختیار میکند:

### تحركات در قطر

مسافرتها و ورفت و آمد های مکرر میان مقامات افغانستان و پاکستان دید و وادید های روسای جمهور افغانستان، پاکستان و ترکیه در انقره نشست خاص در پاریس و شاید جا های دیگر که از دید عامه ی مردم ما مستور نگهداشته شده است.

البته موازی بدان، یک سلسله نشستها و تلاشهای دیگر نیز در همین شب و روز از سوی قدرتهای ذیدخل در امور افغانستان، بگونه سوال برانگیزی بنام ها و بهانه ی مختلفی ادامه دارد که گاه این نشستها در لندن و زمانی هم در واشنگتن صورت میگرد .

در هر نشست و مذاکره و مفاهمه، دیده میشود که همان افراد و مُهره های شناخته شده ی حزبی و جهادی و طالبی گرد هم آورده میشوند . مردم افغانستان بمتابه ی صاحبان اصلی این آب و خاک، هرگز بیاد ندارند که یکبار هم متن و محتوای این نشستها و گفت و گو های پشت پرده در معرض دید و شنید آنها قرار داده شده باشد.

این پنهانکاریها، بالذات میرسانند که هیچ نظر و عمل شفاف و مردمی در این نشست ها و برخاستها وجود ندارد. بلکه آنچه قابل دید است ، اینست که هر قدر دویدن های صلح خواهانه ی جانب دولت حامد کرزی شدت میگیرد، بهمان اندازه فعالیت های تروریستی و خرابکارانه ی گروه طالبان جدی تر میشود.

شاید یکی از دلایل این شدت عمل، آن باشد که مقامات استخبارات پاکستان بخواهند در روند مذاکرات آینده، از غرب و دولت افغانستان امتیاز بیشتر سیاسی کسب کنند.

ما همانطور که طی مقالات قبلی نیز بعرض رسا نیدیم، مذاکره خواهی با گروه خونریز طالبان که مسلماً ابزار سیاسی – نظامی در دست استعمار بوده و هستند و بخصوص، تلاش بخاطر ادغام مجدد آنها به دولت افغانستان، آنهم پس از ارتکاب سر بریدن ها و انفجار ها و نا مردمی ها و ویرانگری های از حد فزون علیه مردم داغدارما، طرحی است شیطانی و استعماری که نه تنها هیچ نوع صلح واقعی را برای سرزمین خون آلود افغانستان بار نخواهد آورد، بلکه تحقیر بزرگی تلقی میشود در حق ملت بخون و خاکستر نشسته ی کشور اسیر شده ی ما.

هرگاه پنداریم که نشست و مذاکره ی جانب دولت حامد کرزی، نماینده های مجاهدین سابق و گروه طالبان تحت امر ونهی بیگانه ها به نتیجه ی دلخواه آنها بانجامد، سود و منفعت این نوع مذاکرات ، توافقات و به اصطلاح جورآمد ها، به کی ها تعلق خواهد گرفت؟

ما میدانیم که دولت حامد کرزی حیثیت شرکت سهامی یی را دارد که دران مجموع جنایتکاران و چپاولگران و قاچاقبران و غیره گردهم آمده هم مردم ما را ظالمانه به گروگان گرفته اند و هم مجموع ثروت و قدرت در این سر زمین را غصب کرده اند. علاوه، این جنایتکاران و چپاولگران ظرف چندین سال اخیر، پیش چشمان از حدقه برآمده ی مردم افغانستان امتحان نا مردمی داده و ماهیت های شان آشکار شده است . پس هرگاه این جناح ها در هرجایی از جهان که بنشینند و مذاکره و مفاهمه کنند و به هم نتیجه برسند، بازهم، به هیچ صورت روز و روزگار دردمندان و سیه روزان این سر زمین، مداوا نخواهد شد و همانسان اسیر و فقیر باقی خواهند ماند.

روی همین دلایل است که مردم افغانستان نه تنها در قبال همچو حرکات و اقدامات توطئه آمیز اندکترین خوشبینی نشان نمیدهند، بلکه میدانند در بطن هر اقدامی از این قبیل، حتماً دسیسه و توطئه ی دیگر درجهت سیه روزی بیشتر شان نهفته خواهد بود.

پس، صلحی که دران شرف، عزت، استقلال و هدف های ملی و انسانی نهفته نباشد، هرگزبدان نیازی نخواهد بود.

خرقه پوشی ی من از غایت دینداری نیست

پرده یی برسرصد عیبِ نهان می پوشم.